

«راه گران» در شعر حافظ

به قول مطرب و ساقی برون رفتم گه و بی گه
 کزان راه گران قاصد خیر دشوار می آورد

این بیت از غزل حافظ نیز مانند بسیاری از بیت‌های او، که بوسیله کاتبان در زمانهای مختلف نسخه برداری شده بخصوص در مصراع دوم، دارای تفاوت‌هاییست که ما ضمن توضیحاتی که خواهیم داد، به این اختلاف‌ها، اشاره خواهیم کرد. بیت مورد بحث در حافظ خانلری و حافظ انجوی بصورتی که آورده‌ایم ضبط شده، اما در حافظ پژمان بجای (کران راه گران) (کرین راه گران) وجود دارد. در حافظ خانلری سه نسخه بدل بحاشیه برده شده: ۱- (کرین راه گران منزل) ۲- (کزین راه کردن منزل) ۳- (کرین راه گردیم منزل).

در نسخه «خلخالی» (کرین راه کردن منزل) در متن آمده و (کراف راه گران قاصد) بحاشیه برده شده است، در «حافظ کهنه» که به کوشش ایرج افشار در سال ۱۳۴۸ منتشر گردیده «کرین راه گران منزل» در متن و «ازان راه گران قاصد» در حاشیه قرار دارد، در اینجا ابتدا به «شرح سودی» و توضیحات شادروان حسینعلی ملاح در کتاب (حافظ و موسیقی، چاپ دوم، ص ۱۷۴-۱۷۳) می‌پردازیم: موسیقی‌دان صاحب نظر ملاح هنگام توضیح درباره کلمه «قول» چنین می‌نویسد: [قول] در این بیت روی در دو معنا دارد، یکی (قول مطرب) که مراد آواز خواننده است و دیگر (قول ساقی) که مقصود، گفته یا نظریه تشویق آمیز ساقی است. واژه (راه گران) نیز به دو معناست یکی طریق و معبر سخت و ناهموار و دشوار و یکی دیگر (لحن سنگین و فراخ) که البته در این مقام بمعنای اخیر بکار نرفته است. سودی در مقام بیت نوشته است: «با حرف (مطرب و ساقی) گاه بی‌گناه از مجلس خارج می‌شدم که قاصد را پیشواز کنم، چونکه از راه بسیار سخت و دور، به دشواری خبر می‌آورد: یعنی دایم از مجلس بیرون می‌آمدم و براهی که قاصد می‌آمد نگاه می‌کردم که او را استقبال نمایم. زیرا منزل جانان بسیار دور واقع شده و راهش هم بسیار سخت است، همچنین است که قاصد از آنجا بزحمت و مشقت زیاد خبر می‌آورد پس استقبالش واجب است.»

بنظر بنده، چنانچه «راه گران» را معبر یا طریقی ناهموار و بعید فرض کنیم، معنی محتمل بیت، بر این تقریب تواند بود: تحت تأثیر آواز خوش موسیقی دان و باده‌هایی که به تشویق ساقی می‌نوشیدم، گاه و بی‌گاه از خود بیخود می‌شدم و به عوالمی می‌رفتم که از آن عوالم و راه سخت و ناهموار، آن قاصد برای ما خبر دشوار می‌آورد و ضمناً شاید یادآوری این نکته چندان بی‌فایده ننماید که: «برون رقوم» بقرینه «قول» و «راه گران» در صورتیکه معنای موسیقائی مورد نظر باشد، گوئی یادآور این معنا نیز تواند بود که... از لحن مهوود خارج می‌شدم...

پیش از اینکه بتوضیحات خود (بدون داعیه حافظ شناسی) پردازیم تذکر چند نکته را ضرور می‌دانیم، بغیر از تعبیری که برای «قول و غزل» از سوی «شمس قیس رازی» و «صافی‌الدین ارموی» و

«عبدالقادر مراغی» بعمل آمده، مبنی بر اینکه «قول» آهنگهایی را گویند که بر روی شعر عربی گذارند و «غزل» باهنگ هائی گفته می‌شود که بر روی شعر فارسی می‌سازند، حافظ همواره بمعنای موسیقائی کلماتی مانند، سرود، ترانه، قول، غزل، صوت و... توجه داشته است از جمله در این ابیات:
دل از پرده بشد حافظ خوش‌گوی کجاست؟

تا بقول و غزلش، ساز، نوائی بکنیم

*

چو در دست است رودی خوش‌بزن مطرب سرودی خوش
که دست افشان غزلخوانیم و پاکوبان سراندازیم

*

مغنی نوای طرب ساز کن بقول و غزل قصه آغاز کن
البته توجه داریم که «قوالی» بمعنی خواندن آواز با آهنگ و شعر یا نوازندگی بدون شعر است. درباره کلمات «مطرب» و «ساقی» نیز در بعضی از اشعار حافظ ترکیب مطرب و ساقی در کنار هم بمعنی خواننده و نوازنده قرار گرفته است. از جمله بیت مطروحه می‌باشد یا این بیت:

خزینه داری میراث خوارگان کفر است بقول مطرب و ساقی به فتوی دف و چنگ

از این گذشته در تصویر قدیمی شماره سه، جلد یکم، ص ۳۴ «سرگذشت موسیقی ایران» تألیف استاد فقید گرامی روح‌الله خالقی بانوئی را می‌بینیم که در یکدست جام باده و در دست دیگر سازی شبیه به «عود» دارد، یا نگاره‌ای بر روی تنگ نقره عصر ساسانی وجود دارد که بانوئی در دستی صراحی و در دست دیگرش چغانه گرفته است: [رک. حافظ و موسیقی تألیف روانشاد «ملاح» چاپ دوم، ص ۸۸] و از اینگونه تصاویر بسیار است که زینت بخش موزه‌های بیگانگان گردیده است.

اینک، ابتدا به معنای موسیقائی کلمات و لغاتی که در بیت مورد نظر آورده شده توجه می‌کنیم و پس از آن به توجیه بیت و نمونه‌ای از اختلاف نسخ می‌پردازیم:
قول = آهنگ، نغمه، آواز.

مطرب = نوازنده، خواننده، آهنگساز و نغمه‌پرداز.

ساقی = مانند مطرب، مغنی، نوازنده یا خواننده که همراه مطرب نوای طرب ساز می‌کرده، البته در بعضی از اشعار خواجه شیراز کلمه ساقی بخودی خود مبین باده نیز هست.

راه = لحن، آهنگ، مقام و گوشه‌ای از آواز و آهنگ.

گران = دشوار، سخت، ثقیل.

قاصد = کسی که آهنگ انجام کاری را دارد که در این بیت منظور، مطرب و ساقی هستند و پیام‌آور شادی و طرب، نه نامه‌رسان یا پیک.

برون رفتن = از خود بی‌خود و بی‌خبر شدن.

اما چون در بعضی نسخه‌ها «کران راه گران» ضبط شده و کلمه آن اشاره بدور دارد، شارح متوجه راه یعنی جاده شده و (راه گران) راه دور و سخت پنداشته، ولی ضبط نسخه «پژمان» ازین راه گران، است و اشاره بنزدیک دارد و ابهام دور بودن را برطرف می‌سازد، و اضافه می‌کنیم که کلمه «گران» بمعنی دور یا فراخ دیده نشده، بلکه بمعنی سخت، دشوار و ثقیل است مانند: گرانبار، گرانقدر، گران جان، گرانها و...

اینک برای روشن شدن ترکیب «راه گران» در معنای موسیقائی آن به بیتی از دیوان «خاقانی» مصحح استاد گرامی دکتر «ضیاءالدین سجادی»: ص ۷- توجه می‌کنیم.

چه خوش‌حیات چه ناخوش چه آخرست زوال چه جمع زخمه چه ساده چه خارچست نوا

«زخمه» بمعنی آهنگ و جعد بمعنی پیچیده می‌باشد. برخلاف زخمه یا آهنگ ساده و آسان، بی‌فایده نیست اگر یادآور شویم که آواز دارای چند گونه تحریر است که اهل فن بآنها: «زیر و رو»، «مقطع»، «چگشی» و «بلبلی» می‌گویند و صحیح‌ترین طرز خوانندگی. «مرصع خوانی» است که از بحث ما خارجست.

اما «حافظ» در برابر کلمه «جعد» کلمه «مرغول» را به کار برده:
 بشنو که مطربان چمن راست کرده‌اند
 آهنگ چنگ و بربط و مرغول‌نای‌ونی

*

مرغول را برفشان، یعنی برغم سنبل گردچمن بخوری همچون صبا برفشان
 «مرغول» در لغت بدین معناست: [مرغول بر وزن مقبول، بمعنی پیچ و تاب باشد و زلف و کاکل خوبان را نیز گویند، وقتی که آن را شاخ شاخ کنند و بعد از آن پیچند، «تحریر و پیچش نغمه و آواز را هم گفته‌اند» و آواز مطربان و خوانندگان و مرغان را بدین سبب مرغول و مرغوله خوانند... برهان مصحح معین چاپ زوار]

بنابراین نغمه و آواز «مرغول» مانند آواز «جعد» یا زخمه جعد در شعر خاقانی و «راه‌گران» در شعر حافظ است، نه «راه دور و فراخ» یا خارج خواندن آواز بوسیله حافظ از فرط مستی و بی‌خبری، آنان هم که اهل باده‌گساری هستند، به تشویق ساقی احتیاجی ندارند.

اما شرح «سودی» به تجسم یک پرده نمایش بیشتر شباهت دارد، زیرا می‌فرماید، با حرف مطرب و ساقی، یعنی هنگامیکه بجای نوازندگی و خوانندگی مشغول حرف زدن بودند، من حافظ داریم از مجلس خارج می‌شدم و برای که قاصد می‌آمد و خیلی هم راه دور و سختی بوده نگاه می‌کردم تا ببینم کی از راه می‌رسد و چون راه دور و سخت بوده پس استقبالش واجب بوده است.

خلاصه اینکه حافظ گاه و بی‌گاه، دیوانه‌وار از مجلس طرب و محفل انس خارج می‌شده و سری بدر حیاط می‌زده، کوچه را نگاه می‌کرده، تا ببیند قاصد از راه می‌آید یا نه؟ در چنین حالتی که آدمی اینهمه دلشوره و دل‌واپسی دارد، اصولاً می‌تواند بزمی مهتا و عیشی مهتا داشته باشد؟ باری بیت موصوف با توضیحاتی که دادیم، می‌تواند متضمن این معنی گردد:

مطرب و ساقی که هر دو صاحب «قول» یعنی نوازنده و خواننده بوده‌اند همان قاصدی هستند که آهنگ رساندن نغمه یا نغماتی را داشته‌اند و اگر کلمه قاصد را به صورت اصح بپذیریم، تنها مطرب و ساقی می‌توانند رساننده این سرود و پیام آهنگین باشند، نه نامه‌رسان یا پیک، منتهی چنان (راه‌گرانی) را می‌نواخته‌اند یا نغمه و آهنگ دشواری ساز کرده بوده‌اند که حافظ موسیقی‌دان خوش‌آواز را هم گاه و بی‌گاه از خود بی‌خود و بی‌خبر می‌ساخته یا (از خود بیرون می‌رفته) و طبعاً آن نغمه و آهنگ دشوار نیز بگوشش دشوار می‌رسیده، یا پیام آور، پیام را دشوار می‌رساند. خواجه شیراز، خود، گاه از مطرب طلب می‌کرده، راهی بزند که با آن (رطل‌گران) توان زد.

اما در نسخه بدل‌هایی که نقل کردیم، دیدیم که در نسخه بدل حافظ خانلری (کزین راه گردیم منزل) ضبط شده که با احتمال زیاد، اشتباه‌کاتب بنظر می‌رسد و اگر «کزین ره گردی منزل» صحیح باشد، بیت باین صورت می‌نماید:

به قول مطرب و ساقی برون رفتم‌گه و بی‌گه
 کزین ره گردی منزل خبر دشوار می‌آورد

«ره گردی» در اصطلاح موسیقی دانه‌ها مساوی Modulation یا به قول موسیقی‌دانهای سنتی «مرکب خوانی» نامیده می‌شود، یعنی آهنگساز یا خواننده و نوازنده قادر باید بتواند در پرده‌های مشترک و با ظرافت تغییر گام بدهد، یا «ره گردی» و «پرده گردانی» کند بدین معنی اگر موسیقی‌دانی آهنگی در اصفهان ساخته یا خواننده و نوازنده‌ای، نغمه‌ای در اصفهان سر داده، با تغییر گام در

پرده‌های مشترک به دستگاه سه گاه برود و دوباره بمنزل یا خانه نخست، که همان اصفهان بوده بازگردد، پس «ره گردی منزل» که بوسیله مطرب و ساقی انجام می‌شده احتیاجی هم به حضور قاصد ندارد. همچنانکه در آیات دیگری از حافظ می‌بینیم که از «پرده گردانی» سخن می‌گوید که دقیقاً همان Modulation می‌باشد مانند این بیت:

مطرب پرده بگردان و بزین راه عراق که بدین راه بشد یاروز ما یاد نکرد
یا در بیت دیگر می‌گوید:

نوای مجلس ما را چو برکشند مطرب گهی عراق زند گاهی اصفهان گیرد
که صاحب «برهان قاطع» این عمل را «سازگری» ضبط کرده است و در بیت دیگر حافظ بدون اینکه نامی از قاصد به میان آورد از مطربی سخن می‌گوید که ساز عراق می‌سازد و قصد و آهنگ بازگشت راه حجاز می‌کند:

این مطرب از کجاست که ساز عراق ساخت و آهنگ بازگشت به راه حجاز کرد
به هر حال ترتیب «راه گران» و «منزل» که در نسخه کهنه نیز موجود است مبین همین معانی موسیقائی است و می‌تواند بهنجار و درست باشد.



کتابفروشی کتابهای قدیمی زبانهای اروپائی

BOOKSHOP & EDITION

DIROOZ-Ō-EMROOZ

(Expert On Old Books)

Adr. Khodami Av. 28 Upper Vanak Sq Tehran Tel. (021) 886568

بالا تر از میدان ونک - کوچه خدایمی، نمره ۲۸
تلفن ۶۸۶۵۶۸